

وزیر محترم بهداشت و درمان

جناب آقای دکتر نمکی

دکتر جان شما را چه می‌شود؟ شما پزشک معتبر و مقام سیاسی و مسئول مدیریت غائله‌ی کرونا هستید. همه‌ی مسئولین اجرایی مملکت به حرف شما عمل می‌کنند. مراجع تقلید و رهبر انقلاب بنا بر توصیه و کارشناسی شما فتوا می‌دهند و حکم می‌کنند. صدا و سیما و رسانه‌های دیگر بنا بر دستور یا صلاحدید شما و پزشکان و کارشناسان تحت امر شما هر روز آهنگ‌های ترسناک می‌زنند و به دلیل رکورد شکنی تلفات کرونا به مردم تسلیت می‌گویند و هر روز را بدترین روز می‌نامند. مجریان تلویزیون به فرمان شما ماسک زده‌اند. مقامات کشوری و لشکری ماسک زده‌اند. مردم توی خیابان حتی اگر کرونا گرفته باشند و ایمن شده باشند باید ماسک بزنند یا آماده‌ی بگومگو و دعوا با همسهریانی باشند که آن‌ها را به خاطر نزدن ماسک فحش می‌دهند و تحقیر می‌کنند. مردان توی خانه باید ماسک به صورت بزنند یا صابون جنگ و دعوا با همسران را به تن بزنند. فاصله‌ی اجتماعی همه جا حتی توی خانه باید حفظ شود! مردان که خانه نشین شده‌اند و به چه کنم چه کنم افتاده‌اند باید مراقب باشند که از بچه‌ها دور بمانند و یک گوشه بنشینند و توی سر خودشان بزنند. چرا ورزش و گردش و کسب و کار مردم را تعطیل کرده‌اید و چرا دارید کساد و افسردگی و ورشکستگی فراگیر را دامن می‌زنید؟ شما مقام سیاسی بلندپایه هستید. چرا آمار و ارقام را درست واری نمی‌کنید و چرا به جای تحلیل درست از آمار نتایج دراماتیک و دلخواهی می‌گیرید؟ چرا این توهم را القا می‌کنید که روزی چهارصد تا ششصد کشته برای شیوع کامل کرونا یک فاجعه‌ی وحشتناک است؟ مگر آمارهای وزارتخانه‌ی مطبوع خودتان را ندارید؟ مگر نمی‌دانید اگر کرونا هم نباشد توی این مملکت که نزدیک نه میلیون مرد و زن سالمند دارد در پاییز و زمستان روزانه هزار و دویست سیصد نفر می‌میرند؟ مگر نمی‌دانید آنفلوآنزا در پاییز و زمستان گذشته در ایران ده هزار نفر را کشته و در همین پاییز و زمستان هم ده هزار نفر دیگر را خواهد کشت؟ مگر نمی‌دانید که خطر مرگ افراد سالمند در صورت ابتلا به بعضی از آنفلوآنزها بیشتر از کرونا است؟

آمار روزانه‌ی مبتلایان و کشته‌های کرونا در آمریکا جلوی چشم شما است. آمار آمریکا قابل اعتماد است چون دمکرات‌ها که از کرونا بر علیه ترامپ استفاده‌ی سیاسی می‌کردند مراقب بودند هیچ کشته‌ای از قلم نیفتد. آمار کشته‌های روزانه‌ی کرونا در آمریکا کم‌تر از یک درصد مبتلایان روزانه است. از طرف دیگر تخمین زده می‌شود هر روز بیش از ده برابر کسانی که تست شده و مبتلای قطعی هستند افرادی بی علامت یا با علائم خفیف بی آنکه به پزشک مراجعه کنند یا حتی از بیماری خود با خبر شوند خوب می‌شوند. اگر این تخمین درست باشد با یک حساب سر انگشتی معلوم می‌شود در برابر هر کشته‌ی کرونا بیش از هزار نفر کرونا گرفته و خوب شده‌اند، یعنی بعد از شیوع کامل کرونا در سرتاسر آمریکا در حدود یک در هزار جمعیت آن کشور می‌میرند و بقیه ایمنی پیدا می‌کنند.

همه‌ی آمارها و پژوهش‌های علمی همین را نشان می‌دهد. سازمان بهداشت جهانی چند هفته پیش نتایج تحقیقاتی را منتشر کرد که نشان می‌دهد تا اول پائیز حدود ده درصد از مردم دنیا ایمنی پیدا کرده‌اند (در زمان این پژوهش کم‌تر از یک میلیون نفر مرده بودند) اگر یک میلیون نفر مرده‌اند و هشتصد میلیون نفر (یعنی ده درصد جمعیت دنیا) پادتن پیدا کرده‌اند یعنی در برابر هر یک نفر که می‌میرد هشتصد نفر مصونیت پیدا می‌کنند. با این حساب و با توجه به این که در همه‌گیری‌های ویروسی همیشه بین بیست تا سی درصد مردم اصلاً "مبتلا نمی‌شوند باز به این نتیجه می‌رسیم که کرونا تا شیوع کامل حدود یک در هزار مردم را می‌کشد و بقیه مصونیت پیدا می‌کنند.

گزارش سازمان بهداشت جهانی این افسانه را هم باطل می‌کند که مصونیت کرونا دوام ندارد. طولانی شدن دوران نقاهت کرونا و دوام چند ماهه‌ی بیماری در بعضی بیماران زمینه‌ی تکرار این ادعا بود که پادتن کرونا دوام ندارد و مبتلایان ممکن است چند ماه پس از بهبودی دوباره مبتلا شوند. هیچ پژوهش علمی احتمال واگیری مجدد کرونا را تأیید نکرده اما بعضی از پزشکان احتمالاً به انگیزه‌ی وادار کردن مردم به ماسک زدن و رعایت سایر محدودیت‌هایی که تحمیل کرده‌اند به این افسانه نیاز دارند. (اگر تا پایان تابستان هشتصد میلیون نفر و امروز احتمالاً یک میلیارد نفر یا بیشتر کرونا گرفته‌اند و پادتن پیدا کرده‌اند پس یک میلیارد نفر یا بیشتر نه کرونا می‌گیرند و نه می‌توانند دیگری را مبتلا کنند. با این حساب چطور می‌توانید به آن‌ها حکم کنید که ماسک بزن یا در خانه بمان یا کار و کاسبی را تعطیل کن و ورشکست شو؟!)

البته افسانه‌ی کم دوام بودن مصونیت کرونا خیلی وقت است که دیگر شنیده نمی‌شود و خیال نمی‌کنم شما هم واقعا بخواهید از آن دفاع کنید. افسانه‌ی دیگری که برای تمدید بگیر و ببند میان

مردم وحشتزده تبلیغ می‌شود این است که کرونا پیر و جوان نمی‌شناسد! دکتر حریرچی خیلی به این عبارت غلط انداز علاقه دارد. اگر منظور او این است که بیماری‌های همه‌گیر همه را می‌گیرد بدیهیات می‌گوید اما اگر غرض او القای این است که کرونا می‌تواند پیر و جوان را بکشد این تقریباً دروغ محض است! تلفات کرونا در کودکان کم‌تر از ده سال صفر، در میان افراد زیر سی سال نزدیک به صفر و در جمعیت‌های بین سی تا چهل و پنج سال یک در بیست هزار نفر است. متأسفانه تحت تاثیر این افسانه که کرونا پیر و جوان را می‌کشد مردم وحشتزده کودکان و نوجوانان خود را را خانه نشین کرده‌اند و از خیر تحصیل و تفریح و رشد فکری و بدنی بچه‌هاشان گذشته‌اند. الان میلیون‌ها کودک و نوجوان در ایران و صدها میلیون کودک و نوجوان در کشورهای ثروتمند خانه‌نشین شده و در حالی که هر روز چاق‌تر و افسرده‌تر و ترسو‌تر می‌شوند از پنجره‌ی آپارتمان به دنیایی نگاه می‌کنند که مردمش به دلایل موهوم وحشتزده‌اند و ماسک می‌زنند و از هم دور می‌ایستند. الان میلیاردها زن وحشت زده توی خانه‌ها زندان‌بان بچه‌ها شده‌اند و شوهران را عذاب می‌دهند و صدها میلیون مرد حیرت زده به بیکاری و بدهکاری و حرمان خیره مانده‌اند. این وحشت و حیرت را البته شما ساخته‌اید، اما به نظر می‌رسد آن را باور کرده‌اید و دنبال سازندگانش به راه افتاده‌اید.

کرونا با سرعت زیادی واگیر می‌شود. اما خطر مرگ در اثر ابتلای به آن خیلی کم است هیچ جای دنیا تلفات کرونا به دو در هزار جمعیت نرسیده و نود درصد کشورهای گرفتار هنوز حتی به تلفات نیم در هزار جمعیت نرسیده‌اند. آمار اعلامی وزارت شما می‌گوید کشته‌های ایران نه ماه بعد از شروع شیوع کرونا یعنی تا آخر آبان تازه به نیم در هزار جمعیت کشور رسیده است. اما تخمین‌های آماری نشان می‌دهد که کشته‌های ایران هم تا شیوع کامل به یک در هزار جمعیت نزدیک خواهد شد و به هشتاد هزار نفر خواهد رسید.

تخمینی که از آمار کشته‌های کرونا در اروپا و آمریکا به دست می‌آید این است که این ویروس حدود یک درصد از سالمندان مبتلا را می‌کشد. حالا اگر جمعیت سالمند (یعنی بالای شصت سال) در حدود ده درصد کل جمعیت کشور باشد تلفات کرونا در حدود یک در هزار کل جمعیت خواهد بود و اگر جمعیت سالمند بیش از ده درصد کل جمعیت باشد رقم نهایی تلفات بیشتر خواهد شد. مثلاً در ایالت‌های نیویورک و نیوجرسی که جمعیت سالمند در حدود بیست درصد جمعیت کل است همان یک درصد سالمندانی که کشته می‌شوند رقم تلفات کل جمعیت را به دو در هزار نزدیک کرده است. البته تلفات روزانه‌ی ایالت‌های نیویورک و نیوجرسی حالا در سردترین روزهای سال و در اوج موج دوم به چند ده نفر در هر روز تقلیل پیدا کرده و با این ترتیب بعید است تا پایان زمستان به دو در

هزار کل جمعیت برسد. این را هم در نظر داشته باشید که در آمریکا هیچ گرفت و گیر و قدغن جدی افسار کرونا را نکشید و پروتکل‌های بهداشتی به دلیل بی‌اعتنائی هواداران ترامپ که نیمی از مردم‌اند رعایت نشده. منظورم این است که خیال نکنید دو رقمی شدن تلفات نیویورک و نیوجرسی به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی یا استفاده از ماسک است. غائله‌ی کرونا در آمریکا چنان سیاسی شده که توی خیابان می‌توانید به راحتی جمهوری‌خواه و دمکرات را از هم تشخیص دهید. دمکرات‌ها ماسک می‌زنند و جمهوری‌خواهان ماسک نمی‌زنند! بنا بر این دلیل دو رقمی شدن تلفات روزانه‌ی کرونا این است که تقریباً "همه‌ی جمعیت مبتلا شده‌اند و پادتن پیدا کرده‌اند."

کشور پرو که کشته‌هایش اواخر مهر ماه به یک در هزار جمعیت‌اش رسید، چند ماه است که از اوج ابتلا و مرگ و میر گذشته و با کشته‌های روزانه کم‌تر از صد نفر به نظر می‌رسد به ایمنی تمام جمعیت نزدیک شده است. بلژیک هم از یک در هزار کشته‌ی کرونا بالاتر رفته و با ورود به فصل سرد روزانه بیش از صد کشته دارد. بلژیک به خاطر جمعیت زیاد سالمندانش تا رسیدن به مصونیت جمعی بیش از یک و نیم در هزار جمعیت کشته می‌دهد و شاید حتی به دو در هزار نزدیک شود.

آمار کشته‌های بلژیک و پرو از این نظر جالب توجه است که این دو کشور بیشترین سخت‌گیری‌ها را برای جلوگیری از شیوع کرونا اعمال کرده‌اند و حتی تا تعطیل سراسری و قدغن کردن مسافرت بین شهرها پیش رفته‌اند اما هیچ کدام نتوانسته‌اند شیوع بیماری را متوقف یا حتی آهسته کنند و بر خلاف انتظار جلوتر از همه‌ی کشورها از تلفات یک در هزار بالاتر رفته‌اند. از طرف دیگر آمریکا و انگلیس که کرونا را خیلی بد مدیریت کرده یا اصلاً مدیریت نکرده‌اند وضع بدتر یا بهتری ندارند و اگرچه کشته‌های روزانه‌شان نسبت به اوج شیوع کم شده اما تا بهار آینده احتمالاً به رقم تلفات حدود یک در هزار خواهند رسید. آمریکا وقتی به پانصد هزار کشته برسد از یک و نیم در هزار عبور می‌کند و انگلیس هم وقتی به صد هزار کشته برسد از یک و نیم در هزار جمعیت خودش عبور می‌کند. رسیدن به این ارقام بعید است چون تلفات آمریکا از روزی سه هزار نفر در موج اول به کم‌تر از هزار نفر در موج دوم رسیده و تلفات انگلیس هم که در موج اول بیش از هزار نفر در روز بود در موج دوم به کم‌تر از پانصد نفر کاهش یافته است. فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که کشته‌هایشان با ورود به دومین فصل سرد روزانه چند صد نفر شده از نیم در هزار جمعیت گذشته‌اند و با وجود تشدید بگیر و ببند و جریمه تا بهار به نزدیک تلفات یک در هزار و ایمنی جمعی می‌رسند. آمار تلفات کشورهای گرمسیر البته خیلی کم‌تر است و تلفات مردم در آفریقا و جنوب آسیا و استرالیا تا رسیدن به ایمنی عمومی شاید به نیم در هزار نرسد.

حالا نوبت یک پرسش بی ملاحظه است. از کجا معلوم کسانی که در اثر کرونا مرده‌اند و نود درصدشان سالمند و یا سالخورده بوده‌اند یا بیماری‌های زمینه‌ای داشته‌اند اگر در اثر کرونا نمی‌مردند تا پایان سال زنده می‌ماندند؟ آمار می‌تواند جواب این پرسش بی ملاحظه را بدهد. اگر آمار مجموع فوتی‌های سال قبل را با مجموع کشته‌های امسال مقایسه کنیم و ببینیم که مجموع مردگان امسال رشد غیر منتظره‌ای نشان می‌دهد البته می‌توانیم بگوئیم کرونا تاثیر واقعی داشته است: در سال بیست نوزده که خبری از کرونا نبود مجموع فوت شدگان کشور آمریکا دو میلیون و نهصد و نه هزار نفر بود که هفتاد و پنج درصد آن‌ها سالمند بودند. با توجه به رشد سالیانه‌ی جمعیت سالمندان در آمریکا حتی بدون کرونا انتظار می‌رفت که مجموع فوت شدگان در پایان سال بیست بیست (یعنی امسال) به بیش از سه میلیون نفر برسد. حالا اگر تا پایان سال بیست بیست مجموع فوت شدگان آمریکا همان سه میلیون نفری باشد که بدون کرونا هم انتظار می‌رفت مردم به پزشکان و سیاستمداران که این همه وحشت ایجاد کردند چه خواهند گفت؟! برای جواب این پرسش باید تا پایان سال میلادی (یعنی یک ماه دیگر) منتظر بمانیم اما همین پرسش بی ملاحظه در مورد ایران هم قابل طرح است. در سال نود و هشت که خبری از کرونا نبود نزدیک چهارصد هزار نفر از مردم ایران به دلایل مختلف از دنیا رفته‌اند که نزدیک هشتاد درصد آن‌ها سالمند یا سالخورده بودند. با توجه به رشد سالیانه‌ی جمعیت سالمندان در ایران انتظار می‌رفت امسال بدون کرونا هم با چهارصد و ده هزار فوتی یا بیشتر به پایان برسد. حالا اگر در پایان سال آمار نشان دهد که مجموع فوتی‌ها همان چهارصد و ده هزار نفر است چه باید گفت؟! در این صورت به حکم آمار معلوم می‌شود که کرونا هیچ تاثیری در مجموع کشته‌های سالیانه نداشته و کسانی که در اثر کرونا مرده‌اند اگر در اثر این بیماری نمی‌مردند باز نمی‌توانستند تا آخر سال دوام بیاورند.

کاری که شما می‌خواهید بکنید کند کردن انتشار ویروس کرونا است اما این کار چه فایده دارد؟ کند کردن شیوع کرونا می‌تواند جلوی تلفات را بگیرد؟ منتظر کشف واکسن هستید؟ آیا همه قبول می‌کنند واکسن بزنند؟ آیا همه‌ی سالخورده‌گان هر سال برای مصونیت در برابر آنفلوآنزاهای دیگر واکسینه می‌شدند و اگر می‌شدند پس چرا هر سال ده هزار نفر تلفات آنفلوآنزا داریم؟

شاید می‌خواهید با کند کردن شیوع کرونا کادر بهداشت و درمان را از خستگی و بیماری و مرگ احتمالی نجات دهید. دکتر حریرچی خیلی غصه‌ی کادر بهداشت و درمان و پزشکان نابغه‌ای را که در اثر کرونا مرده‌اند می‌خورد اما آمار نمی‌دهد. راستی چند نفر پزشک و پرستار زیر شصت و پنج سال توی این هشت نه ماه در اثر کرونا مرده‌اند؟ اصلا کل جامعه‌ی بهداشت و درمان که از سیصد هزار نفر

بیشترند تا حالا چند نفر کشته‌ی کرونا داده؟ اگر مجموع کشته‌های پزشک و پرستار در اثر کرونا به صد و پنجاه نفر رسیده باید گفت تلفات شما مثل بقیه‌ی ملت است اما اگر از سیصد کشته بالاتر رفته‌اید می‌توانید ادعا کنید پزشکان و پرستاران در راه انجام وظیفه کشته داده‌اند.

پرسش‌های بی‌ملاحظه‌تری هم می‌شود پرسید. مثلاً "این که چرا جامعه‌ی بهداشت و درمان ایران با بیش از سیصد هزار پزشک و پرستار و صد و هفتاد هزار تخت بیمارستانی از عهده‌ی پذیرش پنج هزار بیمار کرونای بد حال برنمی‌آید؟ آمار شما می‌گوید بیمارانی که وضع وخیم داشته و تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفته‌اند در شش ماه اول همیشه کم‌تر از چهار هزار و در ماه اول پاییز کم‌تر از پنج هزار نفر بوده اما حالا که چند روز است از پنج هزار نفر بالا رفته حرف از پر شدن بیمارستان‌ها به میان آمده است. می‌شود پرسید از صد و هفتاد هزار تخت بیمارستانی که دارید چند تاش امکان مراقبت‌های ویژه دارد؟ می‌شود پرسید تجهیز و تبدیل سه یا چهار هزار تخت جدید برای مراقبت‌های ویژه کرونایی چقدر وقت و هزینه لازم داشت و چرا در هفت ماه گذشته تخت‌های مراقبت ویژه برای پذیرش دو سه هزار بیمار بیشتر فراهم نشد؟ اگر تجهیز هر تخت و تبدیل آن به تخت مراقبت ویژه‌ی کرونا یک میلیارد تومان خرج داشت می‌توانستید با سه هزار میلیارد تومان سه هزار تخت آماده کنید. حالا می‌شود پرسید چرا صد میلیون یورو (یعنی سه هزار میلیارد تومان) اعتبار گرفته‌اید تا خرج خرید کیت‌های تست سریع و تشخیص مبتلایان جدید کنید؟ آیا پزشکان نه ماه بعد از شیوع کرونا هنوز برای تشخیص بیماران بد حال نیازمند کیت تشخیص هستند؟ آیا می‌خواهید آمار مبتلایان قطعی را با زیاد کردن تست بالا ببرید تا درصد مردگان به مبتلایان آبرومند شود؟ (اگر آمار تست مثبت مثلاً "پنج هزار و تعداد کشته‌ها پانصد نفر در روز باشد به نظر می‌رسد تلفات کرونا ده درصد مبتلایان است اما اگر آمار تست مثبت به روزانه پنجاه هزار برسد و تلفات همان پانصد نفر در روز باشد به نظر می‌آید تلفات به یک درصد مبتلایان رسیده است. البته این شعبده‌بازی فقط روی کاغذ اتفاق می‌افتد و کشته‌های واقعی هیچ کم و زیاد نشده‌اند.)

نمی‌شود شما را به خاطر همراهی با هیاهوی جهانی کرونا در شش ماه اول همه‌گیری سرزنش کرد. من قبول دارم در بهار و تابستان گذشته که ویروس ناشناخته بود و هیاهوی رسانه‌ها مردم را منگ و میخکوب کرده بود صلاح مملکت و جمهوری اسلامی در پیش گرفتن همان سیاست‌ها بود که در پیش گرفته شد و قبول دارم که شما در مقام وزیر و کارشناس در شش هفت ماه اول می‌بایست همان توصیه‌ها را می‌فرمودید که فرمودید. اما الان که چند ماه است کرونا بالا و پایین خود را نشان داده، از شما و پزشکان تحت امر شما توقع می‌رود تاملی بفرمائید و شجاعتی به خرج دهید و آن چه

را امثال دانلد ترامپ و بوریس جانسن با همه‌ی خیریت فهمیده‌اند بگویند و تاکید بفرمائید. کرونا چندان خطرناک‌تر از آنفلوآنزاهای دیگر نیست و آهسته کردن شیوع آن (اگر ممکن باشد) به خسارات مادی و معنوی با ابعاد نجومی نمی‌ارزد.

آقای دکتر شما سیاستمدار نیستید و می‌دانم نمی‌خواهید از کرونا برای سیاست‌سازی استفاده کنید، این است که با شما فقط به زبان آمار و ارقام و پژوهش‌های علمی حرف زدم. بعید می‌دانم بتوانید یا بخواهید در اعتبار آمار و ارقامی که آورده‌ام شک و شبهه کنید. تلفات کرونا در دنیا هنوز به یک میلیون و چهارصد هزار نرسیده اما توی همین ده یازده ماه پر هیاهو بیش از چهارصد هزار نفر بر اثر آنفلوآنزاهای فصلی مرده‌اند، بیش از هشتصد هزار نفر بر اثر مالاریا مرده‌اند، بیش از یک و نیم میلیون نفر بر اثر ایدز مرده‌اند و بیش از هفت میلیون نفر بر اثر سرطان جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند شما بهتر از من می‌دانید که کرونای واقعی با شبیح کرونا که رسانه‌ها ساخته‌اند و نمایش می‌دهند خیلی فرق دارد. شاید شبیح کرونا را لیبرال دمکرات‌های آمریکا و انگلیس و اروپا با هدف راکد کردن اقتصاد و به دست آوردن رای مردم برای برانداختن نوفاشیست‌هایی مثل ترامپ و جانسن و مکرون و ناتان یاهو ساخته باشند اما در این کار موفق نخواهند شد و ترامپ یا مانند او در اروپا و آمریکا هر روز قدرتمندتر خواهند شد. دوران لیبرال دمکراسی به پایان رسیده و با فیل هوا کردن نمی‌شود از شر فاشیسم نو خلاص شد. جای لیبرال دمکراسی توی موزه‌های تاریخ است و دنیای فردا عرصه‌ی جدال میان اسلام انقلابی و فاشیسم نو خواهد بود. اما شما بهتر است مواظب باشید کلاهتان را باد نبرد! شما سیاستمدار نیستید اما حداقل می‌توانید نتایج سیاسی پیروی کورکورانه از هیاهوی کرونا را بر اعتبار جامعه‌ی پزشکی و پرستاری ایران تخمین بزنید. اگر با همه گرفتاری‌هایی که اصرار دارید به مردم تحمیل شود شیوع بیماری ادامه پیدا کند و تلفات کرونا در ایران یا به پای آمریکا و اروپا به یک در هزار برسد تا ایمنی عمومی برقرار شود، خیلی‌ها از خود می‌پرسند این آزار و اذیت‌ها برای چی بود؟ تعطیل مشاغل و مدارس و فلج کردن حیات اجتماعی اگر بی فایده از آب در بیاید باعث بی اعتباری ماندگار پزشکان نزد مردمی خواهد شد که تاوان وحشت زدگی و ندانم کاری را داده‌اند.

حالا این رقم را هم تحویل بگیریدا در همین دوران کرونایی نزدیک به یک میلیون نفر در دنیا خودکشی کرده‌اند، یعنی در این یازده ماه به ازای هر صد نفر که به دلیل کرونا مرده‌اند هشتاد نفر خودکشی کرده‌اند. راستی هیچ پرسیده‌اید و آمار خواسته‌اید که در هفت ماه اول سال نود و نه در ایران چند نفر خودکشی کرده‌اند. آیا آمار خودکشی‌ها را با آمار هفت ماه اول سال نود و هشت که کرونا نبوده مقایسه کرده‌اید؟ من آمار ندارم اما اگر خودکشی در هفت ماه اول امسال خیلی بیشتر از

هفت ماه اول سال نود و هشت باشد آیا می‌شود احتمال داد که رشد خودکشی تا حدودی مال کرونا و افسردگی ناشی از تعطیل کار و کاسبی و خانه نشینی و بدهکاری و ورشکستگی و ناامیدی از آینده بوده؟ می‌توانید حدس بزنید خودکشی‌هایی که شاید به حرمان و بیچارگی ناشی از سیاست‌های شما مربوط باشد به معنی از بین رفتن جان‌های احتمالا جوان‌تر از کشته‌های احتمالی کرونا است که می‌خواهید زنده نگه دارید؟

نمی‌خواهم ادامه دهم! شما آدم خوبی هستید و دکتر حریرچی هم آدم نازنینی است که فقط به نظر می‌رسد به فیلم‌های ترسناک خیلی علاقه دارد. خودتان می‌دانید که می‌توانستم خیلی دراماتیک‌تر و بی‌رحمانه‌تر بنویسم و شما و همکاران را طوری مورد عتاب و خطاب قرار دهم که نمایش‌های تلویزیونی تحقیر آمیز و وحشت‌انگیز دکتر حریرچی بی‌آزار جلوه کند. اما امیدوارم کافی باشد! شما پزشک مسلمان و متعهدی هستید و الان باید تصمیم‌های سخت بگیرید. پزشکان مسلمان می‌گویند دوا پیش ما و شفا پیش خداست. اما حکیم واقعی آن است که وقتی فهمید در برابر یک بیماری ناشناخته و نه چندان خطرناک کار زیادی ازش برنمی‌آید به جای امر و نهی و زور گفتن به مردم صاف و پوست‌کنده بگوید دوا پیش ما نیست و شفا پیش خداست!

دعا بفرمائید

بهر روز افخمی

آبان هزار و سیصد و نود و نه